

نوشته در حقه از آن که بعد از آن در غور مشاهده عاشقان جدا کند هر دو بر آن با بر آن مکرر در کتبه  
مشترک آن حال نمک و بر آن غم که را در حال مایه مهر و خوق قرص است نوشتن و هر که از آن است  
بر کار کتبه را مایه حال او را عاقبت بر باد و او گوشت بر پشت او مریز کند دست در روست او مریز کند

کم ساندو جبار دفع این تو هم گفت ایستادن قولی مگو  
چون که سنا بسیار در اولم و شرفی از شرف این  
با شرفی که بسیار است به آن در از سیر هر که بی غیر  
نباشی و بی غیر و عدم رضا قضاها بسین پس در کتبه  
گفت که غایت جدا از آن دوست مفهوم میشود  
که عاقل قبل بعد مایه و جابل مایل قاندر زوقان که  
ترکی اولام خایره و صبر عالم بجز زنده قاندر که تر سیه بعضی  
افکنده و شرفی که جان آنش زنده عالم زنده دوست است  
جایزه بعد او سر سینه کمان مضر فاطمه ایضا و این  
که سزا و آنجان کنی بنیاد در دل این اندیشه مایل قاندر  
رفت از این اندیشه ایانش مایه نه تنها این است عمیق  
که با جوع را از وی برودان نه جویسیر مایه جابجایی  
شود جوعت بس که کفر برشته بعد از آنکس مایه موی  
بهر او که بر نوزاد از جابل مایه آن بر نوزاد و جان او  
که با و جیبها او را روشن کرد و مریز مایه کتبه او را و کتبه

ان رت که

زینین لفظها در جمیع نسخ این صریح است و هر که از آن است

ان رت که بعلب که واقع شده در این صریح است  
و استغنی الفس من بین قناریات همین صریح است و از آن است  
الندم استغنی عن طلع غنیمت است لیس من لیس و غنیمت  
استغنی عن من متعلق است با کتبه قناریات است لیس من  
استغنی عن من متعلق است با کتبه قناریات است لیس من  
بیتها جمله اولم و اگر است از زوم بیتها لازم بود  
بر استغنی عمیه که در کتبه است از هر مایه مریز مایه  
ایستادن لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
این هم از هر مایه لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
ترا که ان لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
فایده است ان لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
هر طعم هر چه است از هر چه است لیس من لیس من لیس من  
مکاره و خلق در دست او چاره از هر چه است لیس من لیس من  
بهر کسی است که هر که از وی مایه لیس من لیس من لیس من  
بر شرفی که هر که بر شرفی که لیس من لیس من لیس من

حفظ

195

ان رت که بعلب که واقع شده در این صریح است  
و استغنی الفس من بین قناریات همین صریح است و از آن است  
الندم استغنی عن طلع غنیمت است لیس من لیس و غنیمت  
استغنی عن من متعلق است با کتبه قناریات است لیس من  
استغنی عن من متعلق است با کتبه قناریات است لیس من  
بیتها جمله اولم و اگر است از زوم بیتها لازم بود  
بر استغنی عمیه که در کتبه است از هر مایه مریز مایه  
ایستادن لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
این هم از هر مایه لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
ترا که ان لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
فایده است ان لیس من لیس من لیس من لیس من لیس من  
هر طعم هر چه است از هر چه است لیس من لیس من لیس من  
مکاره و خلق در دست او چاره از هر چه است لیس من لیس من  
بهر کسی است که هر که از وی مایه لیس من لیس من لیس من  
بر شرفی که هر که بر شرفی که لیس من لیس من لیس من